



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

رساله دکتری (رشته مدیریت آموزشی)

عنوان

ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی با تاکید بر ارتباط صنعت و دانشگاه

اساتید راهنما:

دکتر عباس عباس پور
دکتر مصطفی نیکنامی

اساتید مشاور:

دکتر حمید رحیمیان
دکتر علی دلاور

اساتید داور:

دکتر علی اکبر فرهنگی
دکتر احمد آقازاده

دانشجو:

بیژن رضایی

((مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ))

وظیفه ی خود می دانم که از زحمات بی شائبه اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر عباس عباس پور و جناب آقای دکتر مصطفی نیکنامی که با راهنمایی های خردمندانه خود تدوین و نگارش این پژوهش را ممکن ساختند و همچنین جناب آقای دکتر حمید رحیمیان و دکتر علی دلاور به عنوان استاد مشاور که حضور و مساعی عالمانه ایشان همواره چون مشعلی فروزان در طول این سفر راهنمای اینجانب بود سپاسگذاری و تشکر نمایم . همچنین از زحمات جناب آقای دکتر احمد آقازاده و آقای دکتر علی اکبر فرهنگی که داوری این پژوهش را پذیرفتند قدردانی می نمایم . در پایان از تمام اساتید و دوستان بزرگووارم که در تمام مراحل این پژوهش کمک های بی دریغ خود را به اینجانب ارائه دادند تشکر می نمایم .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
2	مقدمه.....
3	بیان مساله.....
8	اهمیت و ضرورت.....
11	اهداف پژوهش.....
11	سئوالات پژوهش.....
12	قلمرو پژوهش.....
12	تعریف مفاهیم.....

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

15	مقدمه.....
15	کارآفرینی.....
16	زمینه تاریخی کارآفرینی.....
17	انواع کارآفرینی.....
17	- فردی.....
18	- درون سازمانی.....
19	- سازمانی یا سازمان های کارآفرین.....
19	دانشگاه کارآفرین.....
20	مدل ها و چارچوب های دانشگاه کارآفرین.....
24	کارآفرینی دانشگاهی.....
27	مولفه های کارآفرینی دانشگاهی.....
28	رویکردهای کارآفرینی دانشگاهی.....
32	سیر تحول رسالت دانشگاه ها.....
35	رسالت سوم دانشگاه.....
36	موضوعات بحث انگیز در مورد رسالت سوم دانشگاه.....
38	چالش های فرا روی آموزش عالی.....
39	مدل ها و چارچوب های کارآفرینی دانشگاهی.....

عنوان	صفحه
- مدل برنان و مک گوان.....	39
- مدل روترمل.....	41
- مدل ولارد.....	42
اقدامات انجام شده در مورد کارآفرینی در دانشگاه های ایران.....	44
- طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه های کشور.....	44
- آموزش های علمی - کاربردی.....	44
- ارائه درس و رشته کارآفرینی و تاسیس دانشکده کارآفرینی.....	45
ارتباط صنعت و دانشگاه.....	46
ماهیت رابطه دانشگاه با صنعت.....	46
پیشینه پژوهش.....	50
- تحقیقات داخلی.....	50
- تحقیقات خارجی.....	52

فصل سوم: روش تحقیق

مقدمه.....	55
روش تحقیق.....	55
ابزار گردآوری داده ها.....	57
جامعه پژوهش.....	57
نمونه و روش نمونه گیری.....	57
روش اجرا.....	57
معیار ارزشیابی اعتبار و تائید یافته ها.....	59
روش تجزیه و تحلیل داده ها.....	61

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

مقدمه.....	69
سوال اول.....	69

عنوان	صفحه
توضیح تم های مربوط به سوال اول.....	76
سوال دوم.....	83
توضیح تم های مربوط به سوال دوم.....	89
سوال سوم.....	93
توضیح تم های مربوط به سوال سوم.....	100
سوال چهارم.....	103
توضیح تم های مربوط به سوال چهارم.....	105
سوال پنجم.....	113
توضیح تم های مربوط به سوال اول.....	120

فصل پنجم: خلاصه ، بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

مقدمه.....	133
بحث و خلاصه یافته ها.....	133
- سوال اول.....	133
- سوال دوم.....	140
- سوال سوم.....	144
- سوال چهارم.....	148
- سوال پنجم.....	152
محدودیت های پژوهش.....	157
پیشنهادها بر اساس یافته های پژوهش.....	157
پیشنهادها برای تحقیقات آینده.....	158

منابع

الف: منابع فارسی.....	160
منابع انگلیسی.....	162

فهرست اشکال، نمودارها و جداول

عنوان	فهرست اشکال و نمودارها	صفحه
شکل 1-2 چارچوب دانشگاه کارآفرین.....		22
شکل 2-2 گام های عمومی در توسعه کارآفرینی دانشگاهی.....		29
شکل 3-2 قلمرو علمی کارآفرینی دانشگاهی (برنان و مک گوان).....		30
شکل 4-2 نمودار دانشگاه و نظام کارآفرینی.....		40
شکل 5-2 نمودار کارآفرینی دانشگاهی روترمل.....		41
شکل 6-2 نمودار کارآفرینی دانشگاهی ولارد.....		42
شکل 1-3 نمودار روند کلی پژوهش.....		58
شکل 2-3 نمودار نحوه ارتباط بین مقولات عمده در مرحله کد گذاری محوری.....		66
شکل 3-3 نمودار فرایند تحلیل داده ها به صورت کلی.....		67
شکل 1-4 موانع و چالش های کارآفرینی دانشگاهی.....		76
شکل 2-4 راهکار های کارآفرینی دانشگاهی.....		89
شکل 3-4 موانع و چالش های ارتباط صنعت و دانشگاه.....		99
شکل 4-4 راهکارهای بهبود ارتباط صنعت و دانشگاه.....		109
شکل 5-4 ارتباط منطقی بین مقولات عمده پژوهش.....		127
شکل 6-4 مدل کارآفرینی دانشگاهی.....		130
شکل 1-5 مدل نهایی کارآفرینی دانشگاهی با تاکید بر ارتباط صنعت و دانشگاه.....		154

فهرست جداول

جدول 1-2 الگوهای دانشگاه کلّوآفرین.....	23
جدول 2-2 تعاریف کارآفرینی دانشگاهی.....	26
جدول 3-2 تفاوت اسلوب های پژوهش.....	33
جدول 4-2 روند تغییرات ساختاری در آموزش عالی.....	34
جدول 1-4 مفاهیم اولیه استخراج شده در مرحله تحلیل تماتیک و کد گذاری.....	69
جدول 2-4 کد گذاری ثانویه مفاهیم.....	71
جدول 3-4 نحوه شکل گیری مقولات عمده از تحلیل تماتیک.....	74

عنوان	صفحه
جدول 4-4 مفاهیم اولیه استخراج شده در مرحله تحلیل تماتیک و کد گذاری اولیه.....	83
جدول 5-4 کد گذاری ثانویه مفاهیم.....	85
جدول 6-4 نحوه شکل گیری مقولات عمده از تحلیل تماتیک.....	87
جدول 7-4 مفاهیم اولیه استخراج شده در مرحله تحلیل تماتیک و کد گذاری اولیه.....	94
جدول 8-4 کد گذاری ثانویه مفاهیم	96
جدول 9-4 نحوه شکل گیری مقولات عمده از تحلیل تماتیک.....	98
جدول 10-4 مفاهیم اولیه استخراج شده در مرحله تحلیل تماتیک و کد گذاری اولیه.....	103
جدول 11-4 کد گذاری ثانویه مفاهیم.....	105
جدول 12-4 نحوه شکل گیری مقولات عمده از تحلیل تماتیک.....	107
جدول 13-4 کد گذاری اولیه مفاهیم.....	114
جدول 14-4 نحوه شکل گیری مقولات عمده از تحلیل تماتیک.....	117
جدول 15-4 نحوه شکل گیری مقولات عمده از تحلیل تماتیک.....	152

كليات

فصل

تحقيق

اول

مقدمه:

در دنیای در حال تحول و پیشرفت امروز که زندگی خواسته یا ناخواسته تحت تاثیر علم و تکنولوژی قرار دارد ، کامیابی و موفقیت برای جوامعی به دست می آید که از نیروی کار ماهر و متخصص ، خلاق و خود باور برخوردار باشند، چرا که در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر به عنوان کارآفرینان ، منشاء تحولات بزرگی در زمینه صنعت، آموزش و خدمات شده اند، البته باز هم در میان این جوامع آنهایی که قادر باشند میان منابع و قابلیت های کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معناداری برقرار کنند پیشتازند

بنابراین یک ضرورت جدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، ایجاد و گسترش فرهنگ کارآفرینی¹ است و آنچه در فرهنگ سازی نقش عمده ای دارد آموزش است زیرا تبدیل شدن به یک کارآفرین و عمل کردن به عنوان یک کارآفرین موفق، ابعاد فرایند یادگیری کار آفرینی هستند. باتوجه به این امر بخشی از ویژگیهای که باعث می شود فرد کارآفرین شود و در این مسیر به موفقیت دست یابد اکتسابی هستند و فرد باید آنها را فرا گیرد و پرورش این ویژگیها در افراد مختلف لازم است. برخی افراد در محیط هایی پرورش می یابند که زمینه برای تحریک انگیزه ها و پرورش این ویژگیها فراهم است بنا براین در صورتی که این افراد کسب و کاری را شروع نمایند اغلب با موفقیت همراه خواهد بود. اما برای عده ای که در چنین محیط هایی قرار ندارند ایجاد انگیزه و پرورش این ویژگیها از طریق برنامه های آموزشی لازم خواهد بود. بطور مشخصی نیروی انسانی با منشاء اندیشه و ایده خلاق و همچنین با خصوصیات ارزش آفرینی و کارآفرینی محصول دستگاه آموزش عالی است که خود دارای برنامه های جامع برای کارآفرینی باشد. یکی از مولفه های مهم در قضاوت درباره کارایی داخلی و خارجی آموزش عالی ، کیفیت آموزش نیروی انسانی در هماهنگی با نیازها و تغییرات بازار کار است. از طرف دیگر در هزاره سوم و با ظهور مسائل اقتصادی و فرهنگی گوناگون در سطح کشورها و تغییر الگوی زندگی و انتظارات اقشار مختلف، نقش دانشگاهها در پاسخگویی به نیازهای رو به افزایش مردم و صنایع بیشتر از هر زمان دیگری است. بنابراین نوعی توافق چند گانه بین دانشگاه و جامعه باید صورت گیرد در غیر این صورت توسعه اجتماعی و اقتصادی کمرنگ می شود . علم مقدمه ثروت است و ارتباط صنعت با دانشگاه می تواند تولید ثروت کند بنابراین صنعت باید به سمت علمی شدن و به سمت دانشگاهها پیش بیاید، نیازهایش را مطرح و برای رفع آنها سرمایه گذاری کند و متقابلاً دانشگاه نیز باید

¹ - Entrepreneurship

پاسخگوی این نیاز باشد، پروژه ها و طرح های جدیدی ارائه دهد، پژوهش های دانشگاهی باید از حبس در بایگانی ها خارج شود و پروژه ها را به میدان عمل وارد کند که در نهایت ارتباط این دو باهم برای هر دو طرف ایجاد ثروت می کند.

دانش به چه صورت بر فرایند کشف و شناسایی فرصتها بوسیله افراد تاثیر دارد؟ این کار در محیط دانشگاهی کارآفرین، یعنی محیطی که در درون دانشگاه دانشجویان و اعضای هیات علمی را حمایت می کند تا درگیر در کشف، ارزیابی و بهره برداری از فرصتها برای تبدیل دانش به خدمات، محصولات و فرایندها شوند، صورت می گیرد.

بیان مسئله:

توسعه صنعتی و پایدار در هر کشور منوط به ایجاد زیرساخت های علمی، پژوهشی و صنعتی است و بار زترین شاخص توسعه یافتگی هر کشور، پژوهش های علمی و عملی و قابلیت های فناوری آن کشور می باشد. در این میان دانشگاه بعنوان یک مولد دانش و کانونی برای انجام تحقیقات علمی و کاربردی نقش بسیار مهمی دارد. از طرفی صنعت نیز نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و ارزش افزوده در هر کشوری دارد. علم و پژوهش عناصر تشکیل دهنده کل یک واحد تلقی می شوند و با ورود پژوهش به محیط های آموزشی و دانشگاهی یک بستر مناسب مطابق با معیارهای منطقی فراهم می شود (جواکن^۲، 2006، اترکوویتز^۳، 2000). تعامل دانشگاه و صنعت مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه ضروری است و همگرایی آنها نقش کلیدی در توسعه همه جانبه کشور دارد و این ارتباط زمانی حاصل خواهد شد که صنعت، متقاضی دانش باشد و دانشگاه نیز دانش مورد نیاز صنایع را تولید کند. فاصله صنعت و دانشگاه موجب رکود و توقف فعالیت های صنعتی و حتی نابودی صنعت در دنیای سرشار از رقابت امروزی می شود، از سوی دیگر دانشگاه نیز بدون ارتباط با صنعت به یک محیط علمی و غیر پژوهشی و فارغ از هرگونه نوآوری تبدیل خواهد شد. در چنین محیطی، صنعت و دانشگاه بدون درک متقابل از نیازها و توانمندی های یکدیگر فعالیت می کنند. در آغاز به کار دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی، تحقیق به عنوان فعالیت ذاتی بشر و به

² - Joaquin

³ - Etzkowitz

منظور اشاعه و گسترش مرزهای دانش و به عنوان مکمل فعالیت های آموزشی انجام می گرفت و به خودی خود فعالیت پسندیده به شمار می رفت، اکثر این مراکز دولتی بودند و از بودجه دولتی برای انجام فعالیت های تحقیقی خود استفاده می کردند.

با تغییر در سیاست های تخصیص منابع دولت ها و پارادایم⁴ اقتصادی حاکم بر جوامع به ویژه جوامع توسعه یافته ، دیگر صرف بودجه های کلان برای تحقیق بدون توجه به بازگشت⁵ سرمایه جایگاه خود را از دست داد و توجیه پذیر نبود. این تحولات باعث تغییر نگرش به تحقیق به عنوان فعالیتی جهت گسترش مرزهای دانش گردید و این انتظار بوجود آمد که تحقیق باید حداقل سرمایه ای که برای آن بکار رفته است را جبران کند و در رشد و توسعه کشور نقشی ایفا کند. این تغییر رویکرد همزمان با تغییر پارادایم اقتصادی حاکم بر جوامع بود و اقتصاد مبتنی بر تولید انبوه به اقتصاد دانش بنیان تغییر یافت. که در آن دانش عامل اصلی ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت و رشد و توسعه بود و اصلی ترین ابزار تولید دانش نیز تحقیق است و این دانش برای ایجاد مزیت رقابتی و ایفای نقش توسعه ای خود باید توانایی تبدیل شدن به ثروت و درآمد را داشته باشد . امروزه برقراری ارتباط بین توسعه علمی و توسعه صنعتی به عنوان یک معضل در جوامع و کشورهای در حل پیشرفت تبدیل شده است. در حقیقت، شیوه آموزش در دانشگاهها مطابق و منطبق بر نیازهای صنایع نیست. در صورتی که در دنیای امروز و هزاره سوم باید رابطه مستقیمی بین توسعه علم و فناوری⁶ و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برقرار باشد(اوجوال⁷، 2001).

در کشورهای توسعه یافته ارتباطی بنیادی بین دانشگاه و صنعت برقرار است و بسیاری از پروژه های صنعتی توسط دانشگاهیان انجام و متخصصان زیادی از صنعت نیز با همکاری دانشگاه بطور پیوسته در حال روزآمد کردن اطلاعات علمی خود هستند. در این حالت دانشگاهها هم برنامه های خود را برای خدمت به پیشرفت علم و کاربرد آن در صنعت پی ریزی می کنند . در این گونه کشورها فناوری عامل اصلی برای ایجاد ثروت، قدرت و پیشرفت است و پژوهش ، مبنای اصلی آموزش و فناوری در نظر گرفته می شود و بودجه مالی قابل توجهی هم به این امر اختصاص می یابد . بطور کلی دانشگاهها م همترین منابع سازمانی برای خلق دانش هستند . بصورت سنتی، نقش

⁴ -Paradigm

⁵ -Return

⁶ - Technology

⁷ - Ojewale

دانشگاه انتشار دانش از طریق برنامه های درسی و دوره های دانشگاهی در نظر گرفته می شد . فعالیت تحقیقی در اواخر قرن بیستم بعنوان ماموریت^۸ دوم دانشگاه پذیرفته شد و امروزه دانشگاهها دریافته اند که دانش توسعه یافته جدید از تحقیقات دانشگاهی برای توسعه اقتصادی فرصت هایی را ایجاد می کنند. در اینجا دانش بعنوان مواد خام و اولیه در نظر گرفته می شود که دانشگاهها با پرورش آن، آن را به محصولات، فرایندها و خدماتی که بر اقتصاد تاثیر می گذارد و برای دانشگاهها نیز ارزش ا فزوده ایجاد می کند تبدیل می کنند (لیانو^۹، 2010) و این امر از طریق کارآفرینی دانشگاهی امکان پذیر است . منظور از کارآفرینی دانشگاهی کشف، ارزیابی و بهره برداری از فرصتها برای تبدیل دانش به محصولات، فرایندها و خدمات در محیط دانشگاه است . کلافتسن^{۱۰} و ایوانز^{۱۱}، 2000 و اترکویتز^{۱۲} 2000 یکی از مهمترین تاثیرات دانشگاهها را انتقال دانش جدید از دانشگاه به صنعت در فرایند انتقال فناوری می دانند. کارآفرینی دانشگاهی علاوه بر ایجاد فرصت مشارکت در توسعه اقتصادی برای دانشگاهها، تحت تاثیر نیازهای روزافزون مالی آنها و امکان کسب درآمدهای ب القوه از فعالیتهای کارآفرینانه، نظیر لیسانس دهی فناوری یا تشکیل شرکتهای انشعابی نیز قرار دارد . بعبارت دیگر گرایش بخش دانشگاهی به کارآفرینی تحت تاثیر محرک درونی آن و نیز انتظارات اجتماعی ناشی از ظهور نوآوری مبتنی بر دانش است و همراه کسب منابع مالی برای اساتید و دانشگاهها صورت می گیرد (اترکویتز، 2003). لستر^{۱۳} (2006) کارآفرینی دانشگاهی^{۱۳} را پرداختن دانشگاهها و اعضای علمی آنها به فعالیتهای تجاری ، از قبیل همکاری دانشگاه و صنعت، سرمایه گذاری در شرکتهای مبتنی بر دانشگاه، حمایت از شرکتهای در مرحله رشد مبتنی بر دانشگاه، تاسیس شرکتهای نوپا به کوشش دانشگاهیان، بکارگیری همزمان اعضای علمی در دانشگاه و شرکت همامی دانند.

کارآفرینی دانشگاهی بعنوان فرایند رهبری ایجاد ارزش اقتصادی توآوری، با زسازی و خلق سازمانی در نظر گرفته می شود که در داخل یا خارج یک موسسه آموزشی اتفاق می افتد و به تجاری شدن تحقیق و فناوری منجر می شود که به دو صورت فردی و سازمانی رخ می دهد. گروهی از افراد بطور مستقل یا با عنوان اعضای یک نظام دانشگاهی با هم شروع به فعالیت می کنند، سازمانهای جدیدی را بوجود می آورند و با بازسازی یا نوآوری در داخل یا خارج

⁸ - Mission

⁹ - Liano

¹⁰ - Klofsten

¹¹ - Evans

¹² - Lacetera

¹³ - Academic Entrepreneurship

از موسسات آموزش عالی به فعالیت می پردازند. چنین افرادی بعنوان کارآفرینان دانشگاهی یا دانشگاهیان کارآفرین شناخته می شوند. بنابراین تعریف کارآفرینی دانشگاهی سه نتیجه به همراه دارد: 1) این نوع کارآفرینی منجر به ایجاد ارزش اقتصادی در بازار کار و در سازمانهای آموزش عالی می شود. یعنی دانشگاه با کارآفرین شدنش، موجب ایجاد ارزش اقتصادی می شود. 2) فرایند ایجاد ارزش از طریق خلق، بازسازی و نوآوری سازمانی تحقق می یابد و متقابلاً به نوآوری منجر می شود. 3) کارآفرینی دانشگاهی منجر به تجاری شدن تحقیق و فناوری می شود. دلیل این امر آن است که این نوع کارآفرینی ارتباط بین صنعت و دانشگاه را تسهیل و تشویق می کند (بورنستین^{۱۴}، 2005).

پیشینه کارآفرینی دانشگاهی در دوره های پیش از روزگار معاصر نیز یافت می شود مثلاً در قرن هفدهم در آلمان و در قرن نوزدهم با ایجاد شرکتهای مشاوره صنعتی و شرکتهای ساخت تجهیزات علمی به دست دانشگاهیان در هاروارد و ام آی تی (اتزکویتز، 1998). بسیاری از اندیشمندان کارآفرینی دانشگاهی را مقارن با تشکیل شرکتهای انشعابی مبتنی بر فناوری یا مبتنی بر دانشگاه می دانند (کلافتن، 2000). دانشمندان زیادی چون جاکوب و همکاران (2005)، کلافتن و ایوانز (2000) با بررسی آثار و متون دوره سیاستهای علم نشان می دهند کارآفرینی مبتنی بر دانشگاه شامل همه فعالیتهای تجاری سازی از قبیل ارائه خدمات مشاوره ای، ثبت پتنت^{۱۵} (حق امتیاز)، لیسانس دهی و تاسیس شرکتهای نوپای متعلق به دانشجویان و اساتید و ارائه دوره های آموزشی برای متقاضیان می باشد و نتیجه می گیرند که کارآفرینی دانشگاهی به مفهوم تجاری سازی دانش به روش های مختلف مورد استفاده دانشگاهیان است. در دو دهه گذشته دانشمندان آموزش عالی چارچوبها و واژه شناسی کارآفرینی را برای مطالعه در یک طیف گسترده بعنوان پدیده ای بازار محور که شامل سرمایه گرایی علمی و دانشگاهی (مارس^{۱۶}، 2007، مارس و همکاران، 2008، اسلاگتر^{۱۷} و لس لی^{۱۸}، 1997، روداس^{۱۹} و اسلاگتر، 2004)، انتقال تکنولوژی و فناوری (بریکویتز^{۲۰} و فلدمن^{۲۱}، 2004، بریکویتز و همکاران، 2001، کولیواس و پاول^{۲۲}، 2007، اسمیت^{۲۳} و پاول، 2003) و مشارکت دانشگاه برای توسعه اقتصادی (اتزکویتز، 2002، گیگر^{۲۴}، 2004) بکار گرفته اند.

14 - Bornstein

15 - Patent

16 - Marss

17 - Eslagter

18 - Les lee

19 - Roadse

20 - Breikoitze

آنچه تاکنون در دانشگاه‌های ما مورد توجه بوده مساله آموزش است، لذا به مسائل پژوهشی و تحقیقاتی توجه کافی نشده است. هنوز عمده دانشجویان ما با مساله کارآفرینی بیگانه اند، زیرا زیرساخت‌های کافی و فیزیکی برای توسعه کارآفرینی فراهم نشده است، لذا اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی به یک معضل اجتماعی مبدل شده و زمینه برای فرار مغزها و مشاغل کاذب فراهم گردیده است. شرکتهای صنعتی که با یک دانشگاه بخصوص دانشگاه کارآفرین در ارتباط باشند از مزایای آن نیز بهره می برند به این جهت فرایندهای علمی و صنعتی دانشگاهها تکمیل شده و این شرکتها از دل پژوهشهای دانشگاهی سر بر می آورند . در این مجموعه ها دانشجویان باید مجموعه ای از دانش و مدیریت کارآفرینی را با هم آموخته و با امکانات لازم که دانشگاه در اختیار آنها قرار می دهد شروع به فعالیت در عرصه صنعت نمایند . در چنین مواردی امکان تشکیل شرکتهای خصوصی فراهم شده و این شرکتها کم کم و با آمادگی کامل می توانند از دانشگاهها جدا شوند ولی همچنان از حمایت و پشتیبانی دانشگاه بهره خواهند برد ضمن اینکه این مراکز صنعتی نیز در صورت موفقیت به اجرای پروژه ها و توسعه تحقیقات و فناوری دانشگاهها کمک خواهند کرد. این ارتباط، ارتباطی دو جانبه است که مراکز صنعتی از دانش و تکنولوژی دانشگاهها و از دانشجویان و کارآفرینان خلاق و با استعداد بهره گرفته و دانشگاه نیز از کمک های مالی این مراکز بهره مند خواهد شد. با تسهیل روابط علمی و صنعتی مرتبط با کارآفرینی پیشرفت علم و صنعت سهل تر و سریعتر خواهد شد با جمع بندی موارد ذکر شده در واقع این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سوال است که چرا با وجود تغییر نگاه به دانشگاهها و صنعت هنوز دانشگاههای ایران به خوبی در این جهت حرکت نکرده اند؟ با وجود هزینه های فراوانی که در زمینه آموزش در دانشگاهها انجام می شود چرا دانشگاهها در کشور ما به فکر بازگشت این هزینه ها نیستند؟ این پژوهش پس از واکاوی چالشهای فرا روی کارآفرینی دانشگاهی و ارتباط صنعت و دانشگاه، راهکارهایی برای آن ارائه و سپس مدل کارآفرینی دانشگاهی مناسب را با تاکید بر ارتباط صنعت و دانشگاه برای دانشگاههای ایران ارائه خواهد داد.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

21 - Feldman

22 - Powell

23 - Smith

24 - Giger

تحولات جمعیتی کشور در دو دهه گذشته و افزایش جمعیت و بالا رفتن نرخ بیکاری، دست اندر کاران و برنامه ریزان کشور را با چالش های جدی مواجه ساخته است. روند افزایش متقاضیان کار به خاطر جوان بودن جمعیت نیازمند چاره اندیشی اساسی است. یکی از نهادهایی که تاثیرگذاری بالایی را در این تغییر و تحولات دارد نظام آموزش عالی می باشد که پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز جامعه را عهده دار است اگرچه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور دست به تلاشهایی در این زمینه زده اند ولی متأسفانه همخوانی نداشتن درسهای دانشگاهی با آموزش مهارت های مرتبط با نیازهای جامعه اطلاعاتی باعث شده است دانش آموختگان از تخصص و کارایی لازم برخوردار نباشند. از این رو با توجه به روند افزایش جمعیت و تقاضا برای ورود به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و بحران اشتغال از یک سو و مشکلات اقتصادی از سوی دیگر، مساله کارآفرینی اهمیت ویژه ای یافته است.

تاچندی پیش رسالت اصلی دانشگاهها عبارت بود از تحقیق و انتقال دانش، بنابراین از دانشگاهها انتظار می رفت که به تحقق این دو رسالت بدون توجه به صنعت و بصورت مستقل پردازند. حتی بعضی از کشورها دارای سیاستهای رسمی بودند که مانع تحقق رابطه صنعت و دانشگاه می شد. امروزه تغییرات زیادی رخ داده و از دانشگاهها انتظار می رود که علاوه بر تحقق این دو رسالت اصلی، نقش مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی و نوآوری داشته باشند. در دنیای جدید کار، دانشگاهیان بعنوان یکی از حامیان اصلی فناوری محسوب می شوند. این نقش ها و انتظارات جدید به رسالت سوم دانشگاه یعنی کارآفرینی منجر شده است. یکی از عواملی که منجر به تغییر رسالت دانشگاهها شده است، سود اقتصادی است که حلقه پیوند بین قطبهای صنعتی و علم است. در حال حاضر کشورها در تلاشند تا محیطی را شناسایی کنند که شامل شرکتهای مستقل دانشگاهی، مبدعان و مخترعان، عاملان توسعه اقتصاد دانش محور، ارتباط راهبردی میان شرکتهای بزرگ و کوچک، دولت و گروههای تحقیقاتی است (لوکانن^{۲۵}، 2003).

همچنین با توجه با اینکه اشتغال و بیکاری از جمله موضوع های اساسی اقتصاد هر کشوری است، و افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی جوامع تلقی می شود و نرخ بیکاری یکی از شاخص هایی است که برای ارزیابی شرایط اقتصادی هر کشوری مورد استفاده قرار می گیرد. یکی از دغدغه های اساسی برنامه های توسعه در کشور ما تلاش برای کاهش معضل بیکاری است که همواره به عنوان یکی از اهداف مهم این برنامه ها مد نظر بوده است. از سوی دیگر، اطلاعات مربوط به ساختار نیروی کار مبنایی برای ارزیابی و تحلیل

سیاست های اقتصادی کلان یک کشور محسوب می شود. به ویژه، نرخ بیکاری به طور عام به عنوان شاخص کلی عملکرد جاری اقتصاد کشور مورد استفاده قرار می گیرد. در چنین شرایطی یکی از راهکارهای اساسی برای تعدیل این وضعیت توجه به بحث کار آفرینی به ویژه برای دانش آموختگان دانشگاهی می باشد

تاثیرات کار آفرینی بر اقتصاد به گونه ای است که از کار آفرینی به عنوان موتور توسعه اقتصادی یاد می شود که می تواند سبب رشد و توسعه اقتصادی کشورها، افزایش بهره وری، ایجاد اشتغال و بهبود رفاه اجتماعی شود. ضرورت این امر تاجایی است که در خیلی از کشورها وزارت کار آفرینی تشکیل شده است (احمد پور، 1383). ضرورت توجه به کار آفرینی در دانشگاه ها به محوریت یونسکو در چشم انداز جهانی آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه های نوین را این گونه توصیف کرده است دانشگاهی است که در آن مهارت های کار آفرینی در آموزش عالی به منظور تسهیل قابلیت های دانش آموختگان و برای تبدیل شدن به ایجاد کنندگان کار توسعه می یابد. در چنین دانشگاهی، آموزش، پژوهش و خدمات به جامعه در حد زیاد و به یک میزان مورد توجه دانشگاهیان قرار می گیرد (کرد نایج و همکاران، 1386). در انگلستان دانشگاهها از طرف دولت تحت فشار هستند تا دانشجویانی را با ویژگیهای کار آفرینانه تربیت کنند که پتانسیل دستیابی به شغل را در آینده داشته باشند لذا پژوهش های متعددی در خصوص بازنگری برنامه های درسی جهت کار آفرین شدن دانشجویان انجام شده و می شود نظارت و تمرکز دولت در بوجود آمدن مشاغل جدیدی است که کار آفرینان تحصیل کرده و دانشجویان را به خود جذب نماید

پیشینه کم کار آفرینی علمی و عملی در ایران به طوری که با تمام اهمیت کار آفرین ی و مخصوصاً کار آفرینی دانشگاهی در زمینه توسعه اقتصادی و شکوفایی جامعه و فرصت های بی شمار کار آفرینی که در این حوزه وجود دارد از دیگر دلایل انجام پژوهش می باشد

کار آفرینی دانشگاهی علاوه بر اثرات مثبتی که می تواند در زمینه توسعه نوآوری، افزایش رفاه، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در سطح محلی و فراتر از آن در اقتصاد کشور داشته باشد، منبع درآمدی پایدار نیز برای دانشگاه به حساب می آید. برای افزایش درآمد زایی باید به تجاری سازی که عبارت از تبدیل فناوری دانشگاه به محصولات، خدمات و کسب و کارهای جدید که از یک سو اثرات مثبتی بر رفاه جامعه دارد و از سوی دیگر درآمدهایی را ایجاد می کند که هم مخترع، هم دانشگاه و هم نهادهای اثرگذار بر کار آفرینی از آن برخوردار می شوند، توجه شود و در سایه این نگرش است که امکان بهره گیری بیشتر از ظرفیتهای بالقوه و تکنولوژیک دانشگاهها فراهم می

شود. در حال حاضر از دانشگاهها انتظار می رود که علاوه بر انجام وظایف اصلی خود نقش مهمی در نوآوری و رشد اقتصادی به عهده بگیرند . یکی از راههای تحقق این هدف کارآفرینی دانشگاهی است . دلیل علاقه به کارآفرینی دانشگاهی به سود اقتصادی نشات گرفته از تجاری شدن علم و دانش مبتنی بر فناوری بر می گردد. بعد دیگری در اهمیت انجام این پژوهش، این است که موضوع کارآفرینی دانشگاهی با به کارگیری و بهره گرفتن از روش نظریه داده بنیان بررسی می شود که امکان دستیابی به داده های ناب را برای ارائه یک تئوری یا نظریه که از داده های واقعی بنیان می گیرد فراهم می کند.

با وجود چنین بسترهای مهیا و شرایطی اینکه چرا دانشگاههای ما به سمت کارآفرینی دانشگاهی و ارتباط مناسب با صنعت حرکت نکرده است جای سوال است ، که باید ضمن واکاوی و شناخت این چالش ها جهت حرکت و فعالیت دانشگاهها را به این سمت هدایت کرد که نتیجه آن هم بهره مندی دانشگاه از صنعت و هم منتفع شدن صنعت از خدمات علمی دانشگاه و در نهایت ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی بصورت کلی می باشد

اهداف پژوهش:

هدف کلی پژوهش:

طراحی الگوی کارآفرینی دانشگاهی با تاکید بر ارتباط صنعت و دانشگاه

اهداف فرعی یا جزئی:

1. شناسایی چالشهای کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاههای ایران
2. شناسایی راهکارهای مناسب برای افزایش فرصتهای کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاههای ایران
3. شناسایی چالش های موجود در ارتباط صنعت با دانشگاه در دانشگاههای ایران

4. شناسایی راهکارهای بهبود ارتباط صنعت با دانشگاه در دانشگاههای ایران

سوال های پژوهش:

- ✓ چالشهای کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاههای ایران کدامند؟
- ✓ راهکارهای مناسب برای افزایش فرصتهای کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاههای ایران چیست؟
- ✓ چالش های موجود در ارتباط صنعت با دانشگاه در دانشگاههای ایران کدامند؟
- ✓ راهکارهای بهبود ارتباط صنعت با دانشگاه در دانشگاههای ایران کدامند؟
- ✓ الگوی مناسب کارآفرینی دانشگاهی به منظور بهبود ارتباط صنعت و دانشگاه در دانشگاههای ایران به چه صورت است؟

قلمرو زمانی و مکانی و موضوعی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ زمان محدود به سال 92-1390 می باشد به این صورت که طرح پیشنهادی تحقیق در سال 1390 به تصویب رسید و کار جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن در سال های 1390 تا 1392 ادامه داشت.

همچنین از لحاظ مکان تحقیق محدود به دانشگاههای تهران و علامه طباطبایی می باشد.

به لحاظ موضوعی، موضوع اصلی پژوهش ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی با تاکید بر ارتباط صنعت و دانشگاه می باشد از این رو به بررسی موانع و راهکارهای ارتباط صنعت و دانشگاه پرداخته شده و بر این اساس الگوی کارآفرینی دانشگاهی ارائه می شود.

تعریف مفاهیم:

کارآفرینی دانشگاهی^{۲۶}

کارآفرینی دانشگاهی درگیر شدن سازمان‌ها و اندیشمندان دانشگاهی در فعالیتهای وابسته به تجارت می‌باشد. به عبارتی دیگر کارآفرینی دانشگاهی بعنوان فرایند رهبری ایجاد ارزش اقتصادی توآوری، با زسازی و خلق سازمانی در نظر گرفته می‌شود که در داخل یا خارج یک موسسه آموزشی اتفاق می‌افتد و به تجاری شدن تحقیق و فناوری منجر می‌شود (بورنستین، 2005). در بررسی کلی تعاریف کارآفرینی دانشگاهی به فعالیتهای تجاری سازی و استفاده از دارائی های فکری دانشگاه در جهت کسب منافع مالی و تجاری اشاره شده است

صنعت^{۲۷}

منظور از صنعت کلیه سازمانها (اعم از خدماتی، تولیدی و ...) می‌باشد که به نوعی در اقتصاد دخیل می‌باشند و می‌توانند به نوعی با دانشگاهها رابطه برقرار کرده و از خدمات علمی و پژوهشی آنها استفاده و بالعکس مزایایی نیز برای دانشگاه دارند.

اساتید و محققین

اساتید و محققین به تمام کسانی که در رشته های مدیریت تحصیل کرده و دارای تخصص در رشته خود بوده و با عنوان استاد دانشگاه در دانشگاهها به تدریس و تحقیق اشتغال دارند، دلالت دارد.

دانشگاه^{۲۸}

سازمان آموزشی که دارای هدف اصلی تولید و اشاعه دانش و فناوری و فرهنگ می‌باشد و به نوعی تحت نظارت وزارت علوم و تحقیقات و فناوری بوده و وظیفه اصلی تامی ن نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه را به عهده دارد. همچنین یکی از کارکردهای آن انجام فعالیتهای پژوهشی است.

²⁶ - Academic Entrepreneurship

²⁷ - Industry

²⁸ - university

ادبيات

و پيشينه

تجربة

فصل

دوم